



گزارش «فره‌یختگان» از آمارهای فروش در روز ملی سینما

بازی برد – برد بلیت نیم‌بها



مصطفی قاسمیان خبرنگار

جمعه ۲۱ شهریور ۱۴۰۴، به مناسبت روز ملی سینما، طبق سنت هم‌ساله، سینماها در سراسر کشور بلیت نیم‌بها عرضه کردند و نتیجه آن افزایش چشمگیر تعداد مخاطبان به حدود ۲۸۰ هزار نفر در یک روز بود. این اقدام نه‌تنها باعث شد تعداد بیشتری از مردم بتوانند به تماشای فیلم‌ها بنشینند، بلکه فروش سینماها را نیز به‌طور قابل توجهی افزایش داد. آمارهای این روز اتفاق بار دیگر نشان داد سیاست ارائه بلیت نیم‌بها، به‌رغم کاهش قیمت بلیت، می‌تواند رونق اقتصادی سینماها را افزایش دهد. گزارش پیش رو نگاهی به جزئیات آمار و ارقام گیشه در این روز خاص دارد.

— رقم‌گیشه رشد کرد

آمار گیشه در روز ملی سینما، نشان می‌دهد فروش کل سینمای ایران در این روز به حدود ۱۴ میلیارد و ۳۴۰ میلیون تومان رسید که نسبت به رقم حدوداً ۱۰ میلیارد و ۸۷۹ میلیون تومانی جمعه هفته قبل با فروش بلیت تمام‌بها، افزایشی ۳۱/۸ درصدی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، شمار مخاطبان سینما نیز با جهشی چشمگیر رو به‌رو شد و جمعیت حاضر در سالن‌ها به ۲۷۸ هزار نفر رسید که بیش از ۲/۵ برابر آمار ۱۱۱ هزار نفری جمعه قبل بود و تقریباً ۱۵۱ درصد رشد نشان می‌داد. این رونق فوق‌العاده، باعث شد آمارات‌ها حدود ۱۶ درصد بیشتر روشن شوند و تعداد سانس‌های تشکیل شده از ۳ هزار و ۵۸۰ سانس به ۳ هزار و ۵۳۳ سانس برسد. نکته مهم و قابل تأمل آن که با وجود کاهش قیمت بلیت به حدود نصف، فروش کل سینما نه‌تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش هم پیدا کرد. به عبارت دیگر، تخفیف روی قیمت بلیت باعث شد مخاطبان بسیار بیشتری به سینما جذب شوند، تا جایی که درآمد کلی سالن‌ها نیز افزایش یابد. این اتفاق می‌تواند یک مدل موفق و عملی برای سینماهای ایران باشد تا با استفاده از سیاست‌های قیمتی مناسب، هم میزان دسترسی عمومی به فرهنگ را بالا ببرند و هم درآمد خود را ارتقا دهند. به‌طور کلی، این داده‌ها نشان می‌دهد که

بلیت نیم‌بها؛ پلی میان مردم و سینما



فاطمه‌سادات بکائی خبرنگار

جمعه گذشته، سیاست نیم‌بها شدن بلیت سینما به مناسبت روز ملی سینما اجرا شد و نتیجه، فراتر از یک اقدام نمادین بود. آمار رسمی نشان داد فروش سینماها در این روز ۴۰ درصد بیشتر از هفته‌های قبل بوده است. این عدد ساده حامل یک پیام روشن است: تماشاگر همچنان به سینما علاقه دارد، اما افزایش هزینه‌ها او را از سالن‌ها دور کرده است. سینما طی سال‌های اخیر با چالش کاهش مخاطب مواجه بوده؛ چالشی که بیشتر از مسئله کاهش جذابیت فیلم‌ها، از فشار اقتصادی بر سبد فرهنگی خانواده‌ها ناشی می‌شود. بلیت سینما که باید به‌عنوان

کاهش قیمت بلیت به صورت هوشمندانه، نه‌تنها به نفع مخاطبان است بلکه به رونق اقتصادی سینماها نیز کمک قابل توجهی خواهد کرد.

— رشد قابل توجه در شهرستان‌ها

یک‌نگه‌قابل تأمل، تفاوت میزان رشد در آمار گیشه، بین تهران و شهرستان‌هاست. در خارج از استان تهران، فروش بلیت نیم‌بها، افزایش تعداد مخاطبان از ۶۰ هزار نفر جمعه هفته قبل به ۱۶۹ هزار نفر در این روز، باعث رشد چشمگیر رقم فروش از حدود ۵/۶ میلیارد تومان به حدود ۸/۴ میلیارد تومان شد که تقریباً معادل ۵۰ درصد رشد فروش است. این در حالی است که در تهران، فروش بلیت نیم‌بها از حدود ۵/۳ میلیارد تومان به نزدیک ۶ میلیارد تومان رسید که تنها حدود ۱۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. این ارقام به‌وضوح نشان می‌دهد که بلیت نیم‌بها برای شهرستان‌ها که معمولاً قدرت خرید پایین‌تری دارند، تأثیرگذارتر و مفیدتر بوده و توانسته به شکل ملموسی رشد فروش را در این مناطق تقویت کند. این امر نشان می‌دهد اگرچه قیمت بالای بلیت سینما ممکن است در تهران چندان مشکل ساز نباشد، اما در شهرستان‌ها به دلیل شرایط اقتصادی متفاوت و درآمد کمتر سرانه، می‌تواند مانعی بزرگ برای خریداری بلیت سینما باشد.

— همه منتفع از بلیت نیم‌بها

مجموعه آمارهای ارائه‌شده نشان می‌دهد در شرایط اقتصادی فعلی که فشارهای مالی و تورم باعث کاهش قدرت خرید شده، بلیت نیم‌بها می‌تواند نقش مهم و مؤثری در شوق تماشاگران برای رفتن به سینما ایفا کند. این تخفیف‌ها به‌ویژه برای دانشجو‌یان، سالمندان و اقشار کم‌درآمد اهمیت دارد؛ چراکه با هزینه کمتر، امکان حضور در سالن‌های سینما و لذت بردن از فیلم‌های جدید و تجربه جمعی را ایجاد می‌کند. علاوه بر این، بلیت نیم‌بها به سینماها کمک می‌کند تا مخاطبان بیشتری جذب کنند و سالن‌ها کمتر خالی بماند؛ این موضوع به حفظ چرخه اقتصادی سالن‌های سینما و تولیدکنندگان فیلم کمک می‌کند. این موضوع از سوی دیگر با افزایش درآمدهای جنبی سینما از فروش انواع خوراکی (که گاه از

هزینه بلیت نیز بیشتر است) به رونق اقتصادی سالن‌ها یاری می‌رساند. بلیت نیم‌بها نه‌تنها باعث افزایش فروش و جذب بیشتر مخاطب می‌شود، بلکه در بلندمدت به رونق کلی سینما کمک می‌کند. در شرایطی که تعداد بیشتری از مردم توان تماشای فیلم در سینما را داشته باشند، چرخه اقتصادی این صنعت فعال‌تر می‌شود؛ از فیلمساز و بازیگر گرفته تا تهیه‌کننده، پخش‌کننده، سینمادار و حتی منتقد سینما، همگی از این رونق منتفع خواهند شد. افزایش مخاطب یعنی افزایش تقاضا بپسرای تولید، نقد، تبلیغ و نمایش فیلم، و این یعنی جان گرفتن دوباره سینما به‌عنوان یک فعالیت فرهنگی و اقتصادی زنده و اثرگذار.

— در انتظار مدل‌های نوین فروش بلیت

همه این موارد در حالی است که وقتی صحبت از ارائه بلیت ارزان سینما می‌شود، به علت آن که گویی سینماداری در کشور مان همچنان نسبت به بسیاری از کشورهای صاحب این صنعت، هنوز به شکل سنتی و محدود باقی مانده، صدای مخالفت اهالی سینما خصوصاً صاحبان سالن‌ها (که اغلب تهیه‌کننده هم هستند) بلند می‌شود. برخلاف دنیا که سینماها پلن‌های متنوع و خلاقانه‌ای برای فروش بلیت دارند، در ایران این امکان‌ها وجود ندارد. برای مثال، در بسیاری از کشورهای دیگر گاهی می‌توان با یک بلیت، امکان

مقایسه آمار فروش روز ملی سینما با هفته پیش از آن			
تغییر	جمعه ۲۱ شهریور (نیم‌بها)	جمعه ۱۴ شهریور (تمام‌بها)	
تعداد تماشاگر کل	۲۷۸ هزار و ۲۹۸ نفر	۱۱۰ هزار و ۸۳۵ نفر	۱۵۱/۱ درصد افزایش
گیشه کل	۱۴ میلیارد و ۳۴۰ میلیون تومان	۱۰ میلیارد و ۸۷۹ میلیون تومان	۳۱/۸ درصد افزایش
تعداد تماشاگر تهران	۱۰۹ هزار و ۵۰۷ نفر	۵۰ هزار و ۷۹۱ نفر	۱۱۵/۶ درصد افزایش
گیشه تهران	۵ میلیارد و ۹۷۶ میلیون تومان	۵ میلیارد و ۲۶۸ میلیون تومان	۱۳/۴ درصد افزایش
تعداد تماشاگر شهرستان‌ها	۱۶۸ هزار و ۷۹۱ نفر	۶۰ هزار و ۴۴ نفر	۱۸۱/۱ درصد افزایش
گیشه شهرستان‌ها	۸ میلیارد و ۳۶۵ میلیون تومان	۵ میلیارد و ۶۱۱ میلیون تومان	۴۹/۱ درصد افزایش

هنر-صنعت بار دیگر رونق بگیرد.

مرور فروش خوب فیلم «پیرپس» در ماه‌های گذشته و شروع خوب فیلم «ناتوردشت» در چند هفته اخیر نشان می‌دهد آثار موجود در گیشه، دست‌کم در حال حاضر، ظرفیت کافی برای جلب نظر مردم را دارند و مسئله گرانی بلیت تأثیر غیرقابل انکاری بر میزان تماشاگر آثار داشته است. سود چنین تصمیمی تنها به گیشه خلاصه نمی‌شود؛ در سطحی کلان‌تر، این سیاست به عدالت فرهنگی کمک می‌کند. هرچه امکان حضور طبقات بیشتری در سالن‌های سینما فراهم شود، تجربه سینما به‌عنوان یک پدیده اجتماعی تقویت خواهد شد. درواقع، نیم‌بها شدن بلیت یک سرمایه‌گذاری فرهنگی بلندمدت است که هم به افزایش نشاط اجتماعی منجر می‌شود و هم به پایداری اقتصاد سینما.

مناسبت‌ها نباشد و در قالب یک راهبرد پایدار فرهنگی دنبال شود. تجربه موفق «سه‌شنبه‌های نیم‌بها» در سال‌های گذشته نشان داد که چنین سیاست‌هایی می‌تواند مخاطبان جدیدی خلق کند و پیوند مردم با سینما را مستحکم‌تر سازد. اکنون وقت آن رسیده است که این طرح گسترده‌تر و نظام‌مندتر اجرا شود؛ برای مثال با اختصاص دست‌کم دو یا سه روز در هفته به بلیت نیم‌بها، می‌توان از آثار این حرکت تخفیفی بهره برد. سینما تنها یک سرگرمی نیست، بلکه بخشی از هویت فرهنگی و اجتماعی جامعه است. بازگرداندن مردم به سالن‌ها یعنی احیای تجربه جمعی، تقویت همبستگی اجتماعی و حمایت از هنری که روایتگر زندگی ماست. اگر نیم‌بها شدن بلیت به‌صورت مستمر ادامه یابد، می‌توان امیدوار بود که فاصله میان مردم و سینما کاهش یابد و این

این رویداد را فاقد ارزش هنری دانست و گفت: «من هیچ علاقه‌ای به تماشای چیزی که هیچ خلاقیت انسانی یا هدف هنری پشت آن نیست، ندارم.» همچنین این انتقادات یک سؤال اساسی را نیز مطرح می‌کنند: اینکه اگر هنرندان و سینماگران امروزی با تمام خلاقیت و تجربه خود قادر به بازآفرینی جادوی آثار ولز نیستند، چگونه می‌توان از یک الگوریتم انتظار داشت که این کار مهم را به سرانجام برساند؟ حتی این موضوع مطرح است که اصلاً چنین پروژه‌ای می‌تواند عملی بشود یا در میانه راه به‌خاطر مشکلات حقوقی و اخلاقی متوقف شود؟

— آیندهٔ سینما در دستان هوش مصنوعی؟

پروژه بازسازی «امبرسون‌های باشکوه» نه فقط یک ترمیم ساده، بلکه در پی‌ج‌ای است رو به آینده سینما و نقش تعیین‌کننده هوش مصنوعی در آن. از یک سسو این فناوری گنجینه‌ای از امکانات را پیش روی هنرندان و سینماگران می‌گشاید: ترمیم آثار کلاسیک که گذر زمان آن‌ها را فرسوده کرده، تکمیل پروژه‌های ناتمامی که به دلایل مختلف به سرانجام نرسیده‌اند و حتی خلق محتوای بدیع و نوآورانه که پیش از این تصورش هم ممکن نبود. اما در سوی دیگر این تصویر رویایی سایه‌هایی از نگرانی نیز به چشم می‌خورد؛ نگرانی از دست رفتن اصالت اثر هنری، کم‌رنگ شدن نقش خلاقیت انسانی و تغییر بنیادی تعریف هنر و هنرمند. اگر هوش مصنوعی بتواند به راحتی جایگزین انسان در خلق آثار هنری شود، چه بر سر ارزش‌های انسانی، احساسات و تجربه زیسته‌ای خواهد آمد که همواره جوهر هنر بوده‌اند؟ یافتن تعادلی ظریف میان بهره‌گیری از قابلیت‌های شگرف هوش مصنوعی و حفظ ارزش‌های بنیادین هنر، چالشی است که سینمای آینده با آن دست‌وپنجه نرم خواهد کرد. اما آیا ما در آستانه ورود به عصری جدید در سینما هستیم که در آن انسان و ماشین در تعاملی سازنده آثاری بی‌نظیر خلق می‌کنند؟ یا این فناوری به تدریج جایگاه رفیع خلاقیت انسانی را در هنر هفتم متزلزل خواهد کرد؟ به‌طور کلی آینده سینما و به‌ویژه رابطه پیچیده و در حال تحول آن با هوش مصنوعی همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. پروژه‌ای نظیر بازسازی فیلم «امبرسون‌های باشکوه» که نمی‌دانیم در حد یک خبر باقی خواهد ماند یا عملی خواهد شد، فرصتی مغتنم برای ما فراهم می‌کند تا در این مسیر پرپیچ‌وخم عمیق‌تر بیندیشیم و پاسخی در‌خور برای این پرسش‌های بنیادین بیابیم.

در حال حاضر برای هوش مصنوعی دست‌یافتنی به نظر می‌رسند. پرسش مهم‌تر اما این است که آیا هوش مصنوعی می‌تواند به اندازه کافی به اثر اصلی نزدیک شود تا ادای دین قابل قبول به ولز و «امبرسون‌های باشکوه» باشد؟ آیا می‌تواند تصویری قابل قبول از ۴۳ دقیقه گمشده ارائه دهد یا صرفاً تقلیدی ناقص و بی‌روح از آب درمی‌آید؟ چالش اصلی در این است که آیا الگوریتم‌ها قادر خواهند بود ظرافت‌های دراماتیک، ریتم روایی و بار احساسی مورد نظر ولز را بازسازی کنند، یا مجموعه‌ای از تصاویر و صداهای مضحک و یک‌بار مصرف را به نمایش خواهند گذاشت؟ این موضوع مرز باریک بین ابزار خلاقانه و جایگزین هنرمند را برجسته می‌سازد. در واقع این پروژه نه‌تنها آزمونی برای توانایی‌های هوش مصنوعی، بلکه فرصتی است برای بازتعریف مفهوم خلاقیت و جذابیت هنری در عصر دیجیتال. بنابراین این موضوع مهم مطرح می‌شود که آیا هوش مصنوعی صرفاً به‌عنوان ابزاری در دستان هنرمند باقی خواهد ماند یا ظرفیت آن فراتر از این حد تصور می‌شود. مهم‌تر از آن، یافتن راهی است برای بهره‌گیری از این فناوری که به‌جای خدشه‌کردن میراث هنری بزرگان، ادای احترامی شایسته به آنان باشد.

— آنچه دیگران گفتند

خبر بازسازی فیلم ولز توسط هوش مصنوعی آغازی بر جدالی رسانه‌ای بود. از یک سو بنیاد اورسن ولز واکنشی تند نسبت به این خبر نشان داد. ایسن بنیاد تلاش جدید برای استفاده از هوش مصنوعی را بی‌احترامی دانست؛ سخنگوی بنیاد گفت که هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین گرایز خلاقانه ذهن انسان شود و این اقدام را تلاشی تبلیغاتی خواند. از سوی دیگر، شرکتی که بانی این اقدام است، هدف پروژه را غیرتجاری خواند. افکار عمومی نیز عمدتاً با دیدة تردید به این پروژه نگر هستند و بازتاب این واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی گویای این واقعیت بود. برای نمونه، کاربری در سایت آمریکایی Reddit با لحنی گزنده نوشت: «آیا ولز در زمان حیاتش به اندازه کافی تحقیر نشد؟ آیا واقعاً لازم است که این متخصصان روان‌پریش، ولز را در قبرش به برنجاندند؟» کاربری دیگر با اشاره به مرز باریک میان تکنولوژی و هنر نوشت: «هوش مصنوعی اقتضاح است، اما آن‌ها دیدگاه ولز و راهی برای خلق آن را دارند، بنابراین اینجا مرز باریکی (برای خلق اثری خوب یا بد) وجود دارد.» فردی دیگر تلوینحاً

اجباری، «امبرسون‌های باشکوه» مورد ستایش قرار گرفت و نامزد چندین جایزه اسکار شد، اما سایه سنگین حذف بخش‌های حیاتی فیلم (یا به گفته ولز، حذف تمام پرده سوم اثر) همواره بر پیکر آن باقی مانده است. البته خدا می‌داند که اگر بخش‌های حذف‌شده به فیلم بازمی‌گشتند، چه ستایش‌ها و چه سرنوشتی در انتظار فیلم می‌بود. علاوه بر این، تلاش‌هایی که برای بلیت یک اقدام حمایتی ساده است که می‌تواند چرخه اقتصاد سینما را به حرکت درآورد.

با توجه به شرایط کنونی، ضرورت دارد که این اقدام محدود به

— بازسازی شاهکار دیروز در عصر دیجیتال امروز

اکنون سال‌ها از ساخته‌شدن و اکران فیلم نظیرین شده «امبرسون‌های باشکوه» می‌گذرد. همچنین سال‌هاست که اورسن ولز درگذشته است. اما اخیراً نام ولز و این شاهکار نیمه‌تمام بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که پروژه‌ای جاه‌طلبانه با استفاده از هوش مصنوعی قصد دارد ۴۳ دقیقه از بخش‌های حذف‌شده این فیلم را بازسازی کند. مدیرعامل فیبل استودیو ایراز آمیلدورز کرده که هوش مصنوعی شرکتش همان استاندارد Showrunner- این شاهکار ویران‌شده را احیا کند و به زندگی بازگرداند.

اما این بلندپروازی با موانعی جدی روبه‌روست؛ از محدودیت‌های ذاتی هوش مصنوعی گرفته تا پیچیدگی‌های حقوقی و اخلاقی. اوج این چالش در مخالفت قاطع وراثان و بنیاد ولز با این پروژه نمود یافته؛ چالشی که حقوق مالکیت معنوی و حق تکثیر را به میان کشیده است. این مناقشه نه‌تنها سرنوشت «امبرسون‌های باشکوه» را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد، بلکه می‌تواند درهای تازه‌ای را به روی بحث‌های گسترده‌تر پیرامون استفاده از هوش مصنوعی در بازسازی آثار هنری و حفظ میراث فرهنگی سینما بگشاید.

— روح ولز در کالبد الگوریتم؟

اگرچه بخش اعظم این بازسازی بر عهده هوش مصنوعی است، اما تصاویر آرشیوی، مدل‌های سه‌بعدی و حتی فیلم‌برداری مجدد با بازیگران زنده نیز در این مسیر یاری‌سان خواهند بود. با این حال سؤال محوری همچنان پابرجاست: آیا هوش مصنوعی می‌تواند اورسن ولز شود؟ پاسخ صریح این است: خیر. هوش مصنوعی هرچقدر هم پیشرفته باشد، فاقد آن جرقه خلاقیت، شهود هنری و دیدگاه منحصر به‌فردی است که اورسن ولز را به یک اسطوره بدل ساخت. هنر فراتر از مجموعه‌ای از تکنیک‌هاست؛ بازتابی از تجربه زیسته انسانی، احساسات و درک عمیق از جهان است؛ عناصری که